



سخن سردبیر

(دوره ۲۸، شماره ۵۷، بهار و تابستان ۱۴۰۴)

با یاد آفریدگار هستی و با درودهای شهریورگانی

با عنایات حضرت باری تعالی و نظر به تلاش‌های مجموعه دست اندرکاران علمی و اجرایی این نشریه، نشریه «نثر پژوهی ادب فارسی» این شماره (دوره ۲۸ شماره ۵۷، مربوط به بهار و تابستان ۱۴۰۴ خورشیدی)، قدری زودتر به سرانجام رسید و اینک به اهل تحقیق، دانشگاهیان، علاقه‌مندان به نثرپژوهی ادب فارسی و به‌ویژه به محققان و نویسندگان مقالات این شماره تقدیم می‌گردد.

با نگاهی گذرا به مقالات این شماره به خوبی روشن می‌گردد که تحریریه توجه زائدالوصفی به گزینش بهترین و پژوهشی‌ترین مقالات وارده نموده اند، مقالات وزینی که هر کدام به پژوهش گوشه‌ای از گوشه‌ها و کناره‌های دریای بیکران ساحل متون فاخر و ماندگار نثر پارسی پرداخته‌اند. از پژوهش‌های مرتبط با متون منثور و مصنوع دوره‌های کهن و میانه گرفته تا پژوهش‌های مرتبط با آثار متنوع نثر معاصر و امروزی فارسی. و اینها همه حکایت از دقت و ریز بینی‌های وسواس گونه‌ایست که ما به حیث مجموعه هیأت تحریریه به خرج داده‌ایم. هم چنین بسیار امیدواریم که این روند در شماره‌های بعدی با قدرت و دقت علمی بیشتری دوام و استمرار یابد تا شاید چیزی شبیه آن مرغان سحری باشیم که قدر مجموعه گل می‌دانند و بی‌گمان ما در پیمودن این راه ماز در ماز و پرخطر، بی‌همراهی راهبران خضرصفت و راه‌بلدان این طریق، کجا توانیم که از خطر گمراهی و ظلمات آن برهیم و سلامت به مقصد رسیم و کجا و چطور توانیم درگره‌گشایی از رموز این فن شریف و دیرینه‌عهد اما سرکش، به آن مقصد عالی مورد نظر برسیم؟ اگر همت والای شما بزرگان نثرپژوه گامی چند پیش نهد. براین اساس خود را چون آن نیازمند امیدواری می‌دانیم که به جهت رفع نیاز، خود را برخاک در ارباب نظر می‌افکند تا از درگاه لطف و عنایت آنها نومید بازنگردد، و اینک ما چون همه ارباب نیاز دست نیاز به جانب نگاه عنایت و آکنده از تأیید نظر شما استادان، محققان و پاسبانان دلباخته نثر فاخر پارسی دراز می‌کنیم واز شما یاران چنان همواره انتظار یاری فراوان داریم، ایدون باد.

برخود فرض می‌دانم به عنوان سردبیر جدید نشریه، (که پذیرش بار سنگین این امانت، اگرچه ناشی از ظلومی و جهولی تام و تمام این هیچ بن هیچ بوده، اما درعین حال به امر و اشارت سردبیر محترم پیشین و دیگر مسئولان دانشگاه شهید باهنر کرمان واجب‌الاطاعه گردید، والا من کجا، آن مه عاشق کش عیار کجا؟)

آری اینک بر خود فرض می‌دانم تا خالصانه از مساعی جمیل سردبیر پیشین، استاد فاضل گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، جناب مستطاب آقای دکتر احمدامیری خراسانی که نزدیک به یک دهه از عمر و حیات شریف مادی و معنوی خود را مصروف روشن نگه داشتن آتش این کاروان مقدس نمودند، تقدیر و تشکر نمایم، همو که اینک اگرچه به ظاهر از جمع هیأت تحریریه رفته‌اند،

«رفتی و رفتن تو آتش نهاد بردل از کاروان چه ماند جز آتشی به منزل»

اما مشعل عنایت و ارشاد ایشان متصلاً و تا همیشه زمان، در منزل منزل این کاروان فروزان خواهد ماند. این دانشی‌مرد، در طول این دوره پرمشقت، با آنکه از خودی و بیگانه فراوان دید و کشید، اما نه به هیچ لابه‌ای لب گشود و نه دم از کمترین جفایی زد. و هیچ‌گاه برای حل و فصل مشکلات به هزار در نرفت و حلقه بر دری جز در آشنا نزد. «زحیب هرچه دیدم به شکیب خود فرودم نه به لابه لب گشودم نه دم از جفا زدم من

چو به کوی آشنایی به از این دری ندیدم به هزار در نرفتم در آشنا زدم من»



دوستان، همراهان و گرامیان!!

این کمیته خاکسار نیک‌تر از هر کس دیگری دانم که ایشان در این ره دشوار گذر، سختی‌های زیادی متحمل شدند و فراوان مرارت‌ها کشیدند، اما علی‌رغم این همه ناملایمات از کوه استوارتر ماندند و هیچ از جای نشدند، و یکدم پای خدمت و اراده ایشان نه سست شد و نه لرزید. پیوسته دندان صبر و شکیب بر جگر ریش فشرد، و سر و جان به پای ادب و فرهنگ این کهن دیار آریایی و اهورایی درباخت و دو دیده بر همه آن ناملایمات بست و هرگز و هرگز ولو به طریقه‌العینی خم به ابرو نیاورد و هیچگاه برای تمنای آرزوهای دنیوی پا به صحاری حیرت و بیهودگی ننهاد و به جز جلب رضایت و خوشنودی حضرت حق، جلّ و علا، چیزی را منظور نظر و خاطر خطیر خود ننمود.

«هرکس به تمنایی رفتند به صحرايي
مارا که تو منظوری خاطر نرود جایی»

وایشان در پیمودن این مسیر علمی-پژوهشی روشن و روشنایی بخش، علی‌الدوام کلام مبارک مولای خود علی بن ابی طالب (ع) را نصب‌العین قرار دادند و آن را شعار و دثار تن و جان خویش ساختند و بی‌گمان با این نمط عالی مصداق ائم سخنان گهربار آن امام همام شدند که می‌فرماید: «تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُلُّ، تَدْفِي الْأَرْضُ قَدَمَكَ» و همراه «رَمَى بَصَر» به «أَقْصَى الْقَوْم» انداختند و آن بیکرانه‌های ناکران پیدای علم و ادب را مطمح نظر بلندخویش قرار دادند، خدایشان به سلامت دارد.

دوستان و سروران گرامی!!

در اینجا مناسب می‌دانم تا به نوبه خود به عنوان سردبیر نشریه دوفصل‌نامه «نثر پژوهی ادب فارسی» از زحمات، همراهی‌ها و دلسوزی‌های تک‌تک اعضای محترم و دانشمند هیأت تحریریه، چه اعضای داخل کشور و چه اعضای خارج کشور، صمیمانه سپاسگزاری نمایم و خدمت همه آن بزرگواران عرض کنم که قدردان کلیه الطاف پیدا و ناپیدای آن جنابان بوده، هستم و متصلا خواهم بود.

در این میان هم چنین درودها و سه‌پاس‌های بسیار ویژه خود را روانه می‌نمایم به پیشگاه استاد دانشمند، همکار و همراه سالیان متمادی، دوست بی‌همال و گران‌سنگ خود، جناب آقای دکتر محمد رضا صرفی به حیث مدیر مسئول بسیار باتجربه و توانمند این نشریه و زین که از سرتفضّل، کمینه و بادبه‌دستی چون من را لایق و قابل دیدند تا به عنوان سردبیر نشریه در خدمتشان باشم، امید و رجاء واثق دارم که در این کار سترگ شایستگی در کنار ایشان بودن را داشته باشم و بتوانم با عنایات و الطاف حضرت ارتسام و حمایت‌های بی‌دریغ و همیشگی خود آن جناب جناب آن‌را، گر خدا خواهد، به منصه ظهور برسانم.

فزون بر اینها تشکر قلبی خود را تقدیم می‌کنم به محضر مبارک دوتن دیگر از استادان محترم و بسیار شاخص گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی بانه کرمان، جناب استاد دکتر محمد صادق بصیری و جناب دکتر عنایت الله شریف پور، چه به حیث اعضای شاخص و بسیار باتجربه هیأت محترم تحریریه و چه به حیث دوستان ارزشمند و همکاران گرامی خودم، دو همکار عزیز و والامقامی که سالها از محضر مبارکشان درس ادب و اخلاق آموختم و از تجربیات گرانبها و حمایت‌های مداوم آنها بهره‌ها برده و می‌برم، خدای تعالی در هر حال پاسبان وجود ذی‌جود آن هردوان باد.

همچنین سه‌پاس و تشکر فراوان می‌نمایم از همکار عزیز و دوست دانشمند، جناب آقای دکتر سید امیر جهادی حسینی، دانشیار محترم و اندیشور خوش برخورد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی بانه کرمان که سالها بی‌مزد و منت زحمت و مسئولیت مدیریت اجرایی، ویرایش، صفحه‌آرایی و چاپ الکترونیک و دیگر امور مربوط به این نشریه را با صرف وقت و در نهایت دقت عهده دار هستند.

باوجود آنکه این گرفتاری‌ها که ما ایشان را بدانها مبتلا نموده‌ایم خودچیزهای کمی نیستند و نمی‌توان به سادگی از آنها گذشت، اما ایشان در نهایت تواضع، در این چندسال اخیر پذیرفته‌اند که فزون بر آن زحمات عدیده و طاقت فرسا، زحمت مضاعف عضویت در هیأت تحریریه نشریه را نیز تقبل نمایند. از این حیث نیز از ایشان بی‌نهایت تشکر می‌کنم. خدایشان یار و یاور باد.



در ختام این مسک دست نیاز به درگاه بی‌نیازی آن دادار یگانه دراز نموده و متضرعانه از درگاهش می‌خواهم که مرا در انجام درست این مسئولیت، مسئولیت پاسبانی علمی از پژوهش‌های مرتبط با نثر فاخر و دیرینه‌عهد فارسی یاری فرماید و از درگاه لطف و کرم خود ناامید باز نگرداند.
بارالها

زبید که ز درگاهت نومید نگردد باز هر کو که به اُمیدی برخاکِ درت افتد

آمین یا ربّ العالمین، بحقّ محمد(ص) وآله الطاهرین

کمیته عباد

ناصر محسنی‌نیا

سر دبیر دوفصلنامه علمی «نثر پژوهی ادب فارسی»

کرمان، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر

سلخ شهریورگان ۱۴۰۴ خورشیدی